

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد

۰۶ جون ۲۰۱۱

## حمایت ادعائی اوپاما و کامرون از اعتراضات مردمی!

تصاویر غمبار و دردناک زندگی میلیاردها انسان محروم جهان هر روزه در مقابل چشمان آراداندیشان رژه می‌روند و قدرت‌مداران جهانی، سودای هدایت و پشتیبانی اعتراضات مردمی در مقابل حکومت‌ها و دولت‌های سراپا وابسته به خود را در سر دارند. ناامنی و نداری در همه‌جای دنیا سیطره انداخته است و دزدان و غارت‌گران دیروزی و امروزی، قیافه کریه خود را بزک می‌نمایند تا این جهان سراسر ظلم، دست نخورده باقی بماند. چه زمانه‌ای شده است که مسببین اصلی بدبختی زندگانی میلیاردها انسان، لباس "دوستی" بر تن می‌کنند و سخن از حمایت اعتراضات مردمی به‌میان می‌آورند! فضای جهان را آغشته از جنگ و کُشت و کُشتار محرومان نموده‌اند؛ با سیاست‌های ارتجاعی‌شان، دنیا را به‌کام کودکان و جوانان تلخ نموده‌اند و از یک‌طرف هر روزه در پی پیاده نمودن نقشه‌های تازه، علیه محروم‌ترین اقشار جامعه‌اند و از طرف‌دیگر از قلع و قمع اعتراضات مردمی از دولت‌های دست‌نشانده‌شان شکوه و شکایت می‌کنند!! دنیا را در دستان خود قبضه نموده‌اند و همه ارگان‌ها در خدمت به سیاست‌های‌شان قرار دارد و همه نهادهای به اصطلاح حقوق بشری هم وظیفه‌ای جز همواره نمودن سیاست‌های شان بر عهده ندارند. واقعیت این است که دنیا در چنین وضعیت شومی قرار گرفته است و مرگ و میر طبقات پائین و بی‌دفاع قطع نشدنی‌ست. در چنین چهارچوبه‌ای ناتو طی اطلاعیه‌ای در بیست و چهارم ماه می اعلام نموده است که: "نیروهای ائتلافی از هم‌اکنون واحدهای ویژه زمینی را وارد عملیات کرده‌اند تا هر چه زودتر به این مناقشه خاتمه دهند".

پیشاپیش می‌توان بر عواقب و نتایج مخرب تصمیم ناتو بر زندگانی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده لیبیا پی بُرد. سرمایه‌مداران جهانی به بهانه "اقدامات انسان‌دوستانه"، لیبیا را به ویرانه تبدیل نموده‌اند و بر ناامنی‌ها افزوده‌اند. می‌گویند و می‌خواهند با توسل به زور و تخریب خانه و کاشانه محروم‌ترین اقشار جامعه، امنیت و آسایش را باز گردانند!! به بهانه حمایت از جنبش‌های اعتراضی به تخطئه آن‌ها می‌پردازند. هدف، بالندگی و رهائی مردم از قید و بندهای اسارت‌بار چندین دهه سرمایه‌مداران زالو صفت و حاکمان زورگو نیست بلکه تأمین منافع سرمایه‌های امپریالیستی از جمله امریکا، انگلیس، فرانسه و غیره در میان است. هدف مقابله با جنبش‌های اعتراضی رو به‌جلو

نیست بلکه حفظ و پایداری مناسبات گنبدیده سرمایه‌های امپریالیستی‌ست. هدف باز تعریف سرمایه در این خطه و جابه‌جائی عناصر وابسته به خود با شرایط تازه است. به راستی که کدامین زمانه و دوره‌ای را می‌توان گواه گرفت و به کدامین دوره از تاریخ جوامع امپریالیستی می‌توان دل بست که در آن طبقه حاکمه و قدرت‌مداران جهانی به حمایت از اعتراضات به حق و پایه‌ئی کارگران و زحمت‌کشان برخاسته‌اند و هدفشان پویائی جنبش‌های اعتراضی و تحقق حقوق به یغمای بُرده شده‌شان بوده باشد؟ سرکوب مردم و به یغما بُردن اموال عمومی همواره جزء ذاتی سیاست‌های امپریالیست‌ها بوده و می‌باشد. نه تنها در هیچ دوره و زمانه‌ای قدرت‌مداران جهانی در کنار کارگران و زحمت‌کشان نبوده - و نخواهند بود - بلکه مؤلّد تاریکی‌ها و به اسارت کشاندن آزادی‌های نیم بند جوامع بشری‌اند. صلاح و منفعت امپریالیست‌ها در پژواک آزادی‌خواهی و تحقق خواسته‌های اولی انسانی نیست. اوباما و کامرون دروغ می‌گویند که سرکوب مردم منطقه توسط حکومت‌ها را تحمل نمی‌کنند و به دروغ می‌گویند که: "ما کنار نخواهیم ایستاد تا آرمان‌های مردم زیر رگبار بمب‌ها، گلوله‌ها و آتش خمپاره‌ها سرکوب شود. اگر چه ما از استفاده از زور اکراه داریم اما زمانی که منافع و ارزش‌های ما یکجا چنین ایجاب کند مسؤولیت داریم وارد عمل شویم".

حقیقتاً که تجربه تاکنونی، نه تنها بر باوری چنین گفتمانی [مبنی بر عدم استفاده از زور در مقابل مطالبات به حق توده‌های ستمدیده] صحه نمی‌گذارد بلکه دنیا شاهد بوده است که چگونه جهان‌خواران و زورمداران به منظور تأمین منافع خودی، جان هزاران انسان بی‌گناه و بی‌دفاع را گرفته‌اند و چگونه ارزش‌های تعریف شده دیگران را لگدمال نموده‌اند تا بر منفعت و ارزش‌های آنان لطمه‌ای وارد نگردد؟ شاهد بوده است که چگونه به منظور چنگ اندازی هر چه بیشتر تئمه‌های کارگران و زحمت‌کشان و کوتاه نمودن دست‌های جناح‌های رقیب، به جوامع گوناگون لشکرکشی نموده‌اند و با توپ و گلوله، سینه پیرمرد و پیرزن هفتاد و هشتاد ساله گرفته تا کودک هفت و هشت ساله را نشانه گرفته‌اند. چنین اعمال و خواست بی‌انتهائی را در این چندین دهه، دنیا به‌عینه شاهد بوده است؛ شاهد بوده است که هیچ‌گونه پای‌بندی به قوانین و قواعد تعریف شده خودی هم در میان نیست. نمونه‌ها و مثل‌ها، فرا قاره‌ای و فرا منطقه‌ای‌ست. کُشتار انسان‌های بی‌دفاع از مرز میلیون‌ها نفر هم گذشته است؛ تخریب خانه و کاشانه محرومان میلیونی‌ست. می‌خواهند در تداوم پایان جنگ سرد، دنیا را به اساس منفعت طبقاتی خود تعریف نمایند. مشاهده شده است که چگونه هر زمان توده علیه دولت‌های دست‌نشانده‌شان به پاخاسته است، به بهانه مبارزه با "دیکتاتوری" و دفاع از "دموکراسی" و "حقوق انسانی" بر سر مردم بمب و گلوله ریخته‌اند و هزاران تن از آنانرا به کام مرگ کشانده‌اند.

به چه زبانی مردم منطقه و جهان باید اعلام نمایند که از دست رژیم‌های حافظ منافع امپریالیستی زلّه‌اند؛ با کدامین اعمال می‌باید نشان دهند که مخالف سرمایه‌داران و طبقات بالا دست‌اند. به غیر از این است که همه‌جا و به اشکال متفاوت امنیت و آسایش سرمایه‌داران را در هم می‌ریزند و در این‌میان نیازی به حمایت حامیان دولت‌های دست‌نشانده‌شان ندارند. بیهوده اوباما و کامرون تأکید می‌ورزند که: "سرعت حرکت ملت‌های مختلف منطقه در راستای تحقق آرمان‌های آنان یکسان نخواهد بود و امریکا و بریتانیا خود را مستحق نمی‌دانند به‌جای مردم کشورهای مختلف منطقه در مورد روند تحولات و ابعاد آن تصمیم‌گیری کنند".

به زعم قدرت‌مداران جهانی به دلیل این که "سرعت حرکت ملت‌های مختلف منطقه در تحقق آرمان‌های آنان یکسان" نیست، بنابراین وظیفه‌شان هم، نمی‌تواند در یک ردیف قرار گیرد!! در حقیقت ترجمان گفته‌های اوباما و کامرون برای میلیون‌ها انسان زحمت‌کش و مدافعین دنیای انسانی گویاست. گویاست که انگیزه و هدف آنان، تغییر رژیم‌های دست‌نشانده در زمان "صلح" و "آرامش" دل‌بخواه سرمایه‌داران در یک منطقه و در یک جامعه نیست و مقصود و

وظیفه بر آن است که هر زمان، توده علیه ناهنجاری‌ها و مصائب دست ساز سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها به پاخاسته‌اند، پا در میانی نمایند تا مباداً روز و روزگاری، بر مناسبات حاکم بر جامعه‌ای خدش‌های وارد گردد. همه وظیفه‌شان بر مبنای چنین سیاست و منفعتی پای ریخته شده است و همه‌جا این‌چنین کرده‌اند و مشاهده شده است که سیاست‌شان نه باز گرداندن حقوق پایه‌ئی میلیون‌ها انسان زحمت‌کش بلکه تداوم و گسترده‌گی قید و بندهای اسارت‌بار امپریالیستی‌ست؛ سیاست و آرمانی که در تخالف با سیاست و آرمان توده‌های رنج‌دیده منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و بالاخره سرتاسر جهان قرار دارد.

خلاف آرمان سرمایه‌داران و باور دولت‌مردان جهانی باید اعلام نمود که این دو آرمان، دهه‌هاست در مقابل هم قرار گرفته‌اند و مختص این منطقه و آن منطقه و این قاره و آن قاره نیست بلکه جهانی‌ست. آشکار شده است که مصاف و رویارویی دو طبقه بالنده و میرنده است؛ مصاف دو طبقه استثمارگر و استثمار شونده است. شک و تردیدی در آن نیست که مضمون کار و ماهیت سیاسی این دو سر، متضاد از هم می‌باشند و در این‌میان کارگران و زحمت‌کشان سرتاسر جهان هیچ‌گونه نزدیکی، با آرمان طبقه سرمایه‌داری ندارند؛ به این دلیل روشن که یکی مدافع به یغما بردن اموال عمومی و نعمات و تخریب جامعه است و دیگری در خدمت به رشد، شکوفائی و بالندگی جوامعی بشری‌ست. با این اوصاف دموکراسی ادعائی و حمایت دروغین اوباما و کامرون از اعتراضات مردمی و آن‌هم با لشکرکشی و تخریب بی‌قوله‌های محروم‌ترین اقشار جامعه نه تنها به درد کارگران و زحمت‌کشان نمی‌خورد بلکه با حذف و نابودی و با قطع سلطه سرمایه‌های امپریالیستی بر جوامع خاورمیانه، شمال آفریقا و دیگر مناطق دنیا و مهمتر از همه این‌ها با برقراری حاکمیت کارگران و زحمت‌کشان است که دموکراسی واقعی، عدالت و آزادی متحقق خواهد شد. این آن دنیائی‌ست که میلیاردها انسان زحمت‌کش در پی آنند.

۵ جون ۲۰۱۱

۱۵ خرداد [جوزا] ۱۳۹۰